

حقوق خانواده در برابر پخش برنامه‌های ماهواره‌ای

Family Rights and Satellite Broad Casted Programs

M. Roshan, Ph.D.

S. M. M. Khalilzadeh

✉ دکتر محمد روشن

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

سیدمحمد مهدی خلیل‌زاده

دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته دانشگاه امام صادق (ع)

دریافت مقاله: ۹۰/۹/۲۸

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۲/۱۰/۵

پذیرش مقاله: ۹۲/۱۱/۶

Abstract

Family has been always regarded as the most important social unit in protection and attention of law. Due to industrialization of societies and the internal and external changes of family and other influencing factors such as broadcasting satellite channels, it seems that new approaches are required to support the unit of family.

On the other hand, broadcasting of satellite channels would affect the lifestyle and local pattern of families which may involve families in problems with socialization, abusive behavior, violence, weakness of family foundations, difficulties in educating children, and development of sexual

چکیده

نهاد خانواده به‌عنوان مهم‌ترین واحد اجتماعی همیشه مورد توجه و حمایت علم حقوق بوده است، با صنعتی شدن جوامع و تغییرات درونی و بیرونی در نهاد خانواده توسط عوامل متعدد از جمله ماهواره‌ها نیاز به راهکارهای جدید حمایتی در این موضوع به چشم می‌خورد.

از طرفی ماهواره‌ها با تأثیر بر سبک زندگی و الگوی بومی خانواده‌ها سبب سوء معاشرت، خشونت، سستی میانی خانواده، سخت شدن تربیت فرزندان و انحرافات در اخلاق و فرهنگ جنسی نهاد خانواده شده‌اند. حال می‌دانیم که طبق قوانین اساسی و مدنی، تحکیم خانواده، تشدید میانی خانواده، معاضدت در تربیت فرزندان، هرچند به عنوان تکالیف والدین ذکر شده است.

✉ Corresponding Author: Tehran - Shahid Beheshti University, Evin, Family Research Centre.
Tel: +9802129902366
Email: m-roshan@sbu.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: اوین، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده
تلفن: ۲۹۹۰۲۳۶۶
پست الکترونیکی: m-roshan@sbu.ac.ir

deviations of families based on their culture and values. Although in constitutional and civil law, strengthening families, building strong foundations in the family and parental childrearing practices are mentioned as the rights and tasks of families, are not sufficient in terms of recent changes. Everywhere that there is a duty, there is a titular. The family as a social phenomenon has all these rights. It seems that investigation of the family's rights against satellite programs in current law, and providing a mechanism to support the family could cover the gaps which exist in the legal and communicational space which will be discussed in this paper.

Keywords: Family, Satellite Programs, Educating, Sexual Ethics, Globalization.

اما از حقوق اصلی این نهاد به حساب می‌آیند. هر جا که تکلیف وجود دارد صاحب حق نیز موجود است. نهاد خانواده به عنوان یک پدیده اجتماعی از همه این حقوق برخوردار است.

به نظر می‌رسد که بررسی حقوق نهاد خانواده در برابر برنامه‌های ماهواره‌ای در قوانین فعلی و ارائه راهکار برای حمایت از خانواده یکی از خلأهای موجود در فضای حقوقی و ارتباطاتی را پوشش می‌دهد که در این مقاله به آن خواهیم پرداخت.

کلیدواژه‌ها: خانواده، ماهواره، تربیت فرزندان، اخلاق جنسی، جهانی شدن.

مقدمه

طبق آخرین آمار سایت‌های مربوط به صنعت ماهواره، امروز حدود ۳۷۰ ماهواره در جهان فعالیت می‌کنند که این تعداد ماهواره، امواج حدود ۱۲۰۰۰ شبکه تلویزیونی را پشتیبانی می‌کنند. از بین این ۳۷۰ ماهواره، امواج حدود ۳۰ تا ۳۵ ماهواره آسمان کشورمان را پوشش می‌دهد. این تعداد ماهواره، حدود ۳۰۰۰ شبکه آسمان ایران را تحت پوشش قرار داده است. تعداد شبکه‌های فارسی‌زبان ماهواره‌ای با سرعت زیادی در حال رشد است. برای مثال، اولین شبکه فارسی‌زبان در سال ۱۳۷۵ تأسیس شد، در حالی که هم‌اکنون این تعداد به حدود ۴۵ شبکه رسیده است؛ یعنی به طور میانگین هر سال ۳ شبکه به شبکه‌های فارسی‌زبان اضافه می‌شود. براساس تخمین‌های غیررسمی، حداقل ۳ میلیون دستگاه گیرنده و بشقاب ماهواره‌ای در کشور وجود دارد. مطابق برآورد مذکور، باید اذعان داشت که حدود ۱۵ میلیون ایرانی به برنامه صدها کانال ماهواره‌ای دسترسی کنترل نشده‌ای دارند.^۱ نظرسنجی‌های انجام شده در فاصله ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۳ نشان می‌دهند که بخشی از مردم گرایش به استفاده از برنامه‌های ماهواره‌ای دارند و استفاده از آن‌ها را به طور کامل یا

مشروط حق خود می‌دانند.^۲ براساس آمارهای غیررسمی میزان استفاده مردم از ماهواره در سال ۱۳۸۶ حدود ۳۵٪ بوده است. این آمار در طول ۴ سال گذشته نیز افزایش چشمگیری یافته است. در واقع ماهواره‌ها با قبضه کردن اوقات مردم به نوعی امپریالیسم فرهنگی دامن زده‌اند که یکی از افراد هدف آن‌ها نهاد مهم و تأثیرگذار خانواده است. این مهم همراه با نوعی نفوذ اجتماعی است که از طریق آن، کشوری اساس تصورات، ارزش‌ها، معلومات و هنجارهای رفتاری و نیز روش‌های زندگی خود را به کشورهای دیگر تحمیل می‌کند. بدیهی است ارزش‌ها و هنجارهای نهاد خانواده نیز از این امر مستثنی نمی‌باشد. در این مسیر، شرایطی پدید می‌آیند که شکل‌های فریبنده‌تر و پنهان‌تر هجوم فرهنگ سلطه‌جو را برتری می‌بخشد و ملی کردن سبک‌ها و الگوها را شکل می‌دهد. این پراکندن ارزش‌ها و عادت‌های فرهنگی در میان فرهنگ‌های غیرمتجانس به وسیله ابزارهای رسانه‌ای از جمله برنامه‌های ماهواره‌ای صورت می‌پذیرد.

در این زمینه دیدگاه هربرت شیلر راجع به «سلطه فرهنگی: سرچشمه‌ها، زمینه‌ها و شیوه‌های کنونی» که در کتاب «ارتباطات و سلطه فرهنگی» وی انعکاس یافته، جالب توجه است. وی در این کتاب پس از اشاره به عناصر اساسی نظام جهان جدید (the modern world-system) متفکر منتقد آمریکایی، برای امپریالیسم فرهنگی مشخصات زیر را ارائه کرده است:

«... واژه امپریالیسم فرهنگی نشان‌دهنده نوعی نفوذ اجتماعی است که از طریق آن، کشوری اساس تصورات، ارزش‌ها، معلومات و هنجارهای رفتاری و همچنین روش زندگی خود را به کشورهای دیگر تحمیل می‌کند.» مطابق این تعریف نهاد خانواده به‌عنوان اصلی‌ترین واحد اجتماع که دارای ابعاد ارزشی، هنجاری و رفتاری بومی خاص هر کشور و فرهنگ می‌باشد، به‌عنوان یکی از قربانی‌های امپریالیسم رسانه‌ای و فرهنگی مطرح می‌شود که برنامه‌های ماهواره‌ای به دلیل ویژگی‌های خاص و جذاب خود بالاترین نقش را در این فرایند ایفا می‌کنند.

امروزه برنامه‌ها و فیلم‌های ماهواره‌ای حاوی محتوایی است که در آن پایبندی و وفاداری به خانواده و ارزش‌های اخلاقی، امری مضحک و عوامانه به نظر می‌رسد و در مقابل داشتن روابط آزاد جنسی، روابط متهورانه جنسی و ایجاد تردید درباره اهمیت و ارزش ازدواج، ناشی از نگاه آزاداندیشانه و مترقی به زندگی و روابط عاطفی تلقی می‌شود. طرح سؤال و ایجاد شبهه و تردید مکرر درباره دیدگاه‌های افرادی که به بی‌بند و باری رو نیآورده‌اند یا به زندگی مشترک خود پایبندند و در مقابل ارائه دیدگاه‌ها و پاسخ به سؤال‌های شبهه‌افکنانه برای اقناع مخاطب درخصوص این‌که زمانه تغییر کرده است و افراد نباید پایبند به زندگی‌های سنتی باشند، از برجسته‌ترین مضامین برخی سریال‌های آمریکایی و کلمبیایی و کره‌ای است که این روزها از شبکه فارسی‌زبان ماهواره‌ای فارسی ۱ پخش می‌شوند. از سوی دیگر می‌دانیم که خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی همواره مورد عنایت قانونگذار بوده و قوانین متعددی در رابطه با این نهاد وضع شده است. همچنین جدای از قوانین،

خانواده از نظر مذهب، اخلاق و عرف نیز از حقوق ویژه‌ای برخوردار است؛ از جمله این حقوق می‌توان به تشدید مبانی خانواده، تحکیم خانواده، تربیت فرزندان، اخلاق حسنه و حسن معاشرت، روابط سالم جنسی و فضای عاطفی و صمیمی خانواده اشاره کرد. به نظر می‌رسد بررسی حقوق نهاد خانواده در مقابل برنامه‌های ماهواره‌ای و به نوعی تثبیت حمایت‌های حقوقی مبتنی بر قانون، عرف و اخلاق به کمتر شدن و به حداقل رسیدن آسیب‌ها در این زمینه کمک می‌کند.

۱- حسن معاشرت و برنامه‌های ماهواره‌ای

حسن معاشرت، مفهومی قرآنی است که از آیه شریفه «عاشرو هن بالمعروف» (نساء ۱۹) اخذ شده است. این مفهوم از دیدگاه مفسرین قرآن تعبیر مختلفی دارد، اما همه تفاسیر در جهت بیان مصادیق معروف با توجه به عرف جامعه، مشترک می‌باشند. (طبرسی، ۱۳۶۰، ص ۷۹) در حقوق ایران معنای این آیه در ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی (فصل تکالیف زوجین) وارد شده است. مطابق این ماده: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگر هستند.»

از نظر حقوقدانان، منظور ماده ۱۱۰۳ از حسن معاشرت زوجین با یکدیگر در حدود عرف و عادت زمان و مکان می‌باشد تا بدین وسیله محیط آرام خانوادگی به وجود آید. زوجین ضمن نکاح، داوطلب شده‌اند که با هم به سر برند و در غم و شادی شریک هم باشند. همسری زن و مرد بدین معنی است که سلوکشان، با خوشرویی و مسالمت و مهربانی آمیخته باشد و باید از اعمالی که سبب ایجاد نفرت و کینه یا غم و اندوه فراوان در دیگری است، بپرهیزند. (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ص ۱۹۵)

در خصوص مصادیق حسن معاشرت، حقوقدانان موضوع را به عرف احاله داده‌اند، زیرا حسن سلوک، مفهوم عرفی دارد و به حسب زمان و مکان، آداب و رسوم اقوام، طوایف و خانواده‌ها فرق می‌کند. رسوم اجتماعی و درجه تمدن و اخلاق مذهبی در میان هر قوم مفهوم خاصی از حسن معاشرت را به وجود می‌آورد. (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۵۵، ص ۱۵۹) اما در یک نگاه جامع تمام اموری که از نظر اجتماعی توهین محسوب می‌شود، هم‌چون ناسزاگویی، ایراد ضرب، مشاجره، تحقیر یا اموری که با عشق به کانون خانواده و اقتضای محبت بین دو همسر منافات دارد، مانند بی‌اعتنایی به همسر و خواسته‌های او، بی‌اخلاقی عاطفی و جنسی از مصادیق سوءمعاشرت در خانواده است. به اعتقاد حقوقدانان دستور حسن معاشرت مندرج در ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی صرفاً یک دستور اخلاقی نیست و ضمانت اجرای قانونی دارد، ولی به عقیده بعضی از صاحب‌نظران مدلول این ماده ارشادی است و تخلف از آن اثر حقوقی و جزایی نخواهد داشت، مگر اینکه سوءمعاشرت تشدید شود. (امامی، ۱۳۷۰، ج ۴، ص ۴۳۰) امروزه ماهواره با تأثیر مستقیم بر فضای عاطفی و صمیمی خانواده مسئله حسن معاشرت را با مشکلاتی روبه‌رو کرده و در مواردی آن را منتفی ساخته یا حتی منجر به بروز سردی و در مراحل بالاتر خشونت و سوءمعاشرت شده است.

در رابطه با پیوند عاطفی و صمیمی باید گفت یکی از معیارهای خانواده منسجم، پیوند عاطفی است. این پیوند با گفت‌وگوی مداوم و تبادل افکار میان اعضای خانواده، شکل می‌گیرد و به‌عنوان عامل انگیزشی، بر انسجام خانواده می‌افزاید. این روند می‌تواند هم‌چنان ادامه یابد. بر این اساس، پیوند عاطفی و انسجام خانواده، ارتباط مثبت و همبستگی بالایی با یکدیگر دارند. عوامل گوناگونی به پیوند عاطفی خانواده آسیب می‌رساند و در نهایت به هم پیوستگی آن را تهدید می‌کند. یکی از این عوامل رسانه‌های تصویری به خصوص ماهواره‌ها می‌باشند. فضاهای پس‌زمینه‌ای برنامه‌ها، به ویژه سریال‌ها و فیلم‌ها قابلیت زیادی برای گنجاندن پیام در خود دارند. برای مثال حتی موضوع رفتار شخصیت‌های فرعی یک فیلم با خانواده و اطرافیان، می‌تواند جایگاهی برای ارائه کلیه رفتارهای خیلی ساده و پیش پا افتاده، ولی مهم در زندگی خانوادگی یا اجتماعی باشد. البته به نوعی تمام رسانه‌های تصویری در دنیای امروز توسط ماهواره‌ها تغذیه می‌شوند و این مطلب در جای خود شایان توجه می‌باشد. امروزه جوانان زمان زیادی از شبانه‌روز را به تماشای برنامه‌های ماهواره اختصاص می‌دهند و همین امر سبب سستی نظام بیشتر خانواده‌های ایرانی شده است. برخی کارشناسان معتقدند امروزه جوانان وسایل ارتباط جمعی ساده؛ همانند تلویزیون و یا ویدئو را جوابگوی نیازهای خود نمی‌دانند، به همین علت همیشه به دنبال راهی هستند که از راه‌های مختلف با دنیای بیرون از خود در ارتباط باشند. برنامه‌های ماهواره‌ای زمینه‌ساز مفاسد اخلاقی و اجتماعی است و بیشتر از آن‌که برای نسل امروز و به طور کلی مردم مفید باشد، خطرناک و مضر است.

ماهواره‌ها به دلیل کارکرد متنوع خود و دگرگون‌سازی‌های پیوسته، به تدریج جایگزین ارتباط‌های دوطرفه از نوع چهره به چهره شده‌اند و توانسته‌اند فضای انفرادی را جایگزین فضای اجتماعی خانواده کنند، به گونه‌ای که استفاده بیش از حد از آن‌ها ارتباط مستقیمی با فردگرایی و دوری از گروه دارد. در این سیر، ارتباط فرد با رسانه تصویری و بی‌احساس شکل می‌گیرد و نوعی بیم فرهنگی و انفعال شخصیتی در فرد ایجاد می‌شود. این آسیب در ارتباط میان فرزندان و والدین و زن و شوهر، بیشتر خود را نشان می‌دهد.

تجربه‌ها نشان می‌دهد که هر اندازه ارتباط میان فرزندان و والدین و هم‌چنین ارتباط میان همسران، به دلیل تغییر مخاطب کاهش می‌یابد، اعضای خانواده از نظر عاطفی و هیجانی و نیز از نظر شناختی، از هم دورتر می‌شوند.

۱-۱- ماهواره و خشونت خانوادگی

در حقوق ایران، خوشرویی و مسالمت زوجین با یکدیگر، مهربانی و دوری از اعمال موجد کینه و آزاردهنده و دوری از داد و فریاد یا ناسزا و مجادله، حسن معاشرت محسوب می‌شود (داور، ۱۳۸۰، ص ۳۲) بنابراین ایجاد فضای خشن و آزاردهنده از مصادیق سوءمعاشرت می‌باشد. امروزه بحث

خشونت خانوادگی (domestic violence) را می‌توان در قالب کودک‌آزاری و خشونت زناشویی در نظر گرفت. خشونت زناشویی به دو صورت زن‌آزاری و شوهرآزاری قابل بررسی است که البته شکل غالب آن زن‌آزاری یعنی خشونت شوهر نسبت به همسر خود است و این خشونت از کمیت بالاتری برخوردار است. از آن‌جا که این نوع خشونت اغلب در درون محیط خانواده روی می‌دهد و کمتر در جامعه شاهد آن هستیم، آمارهای موجود نمی‌تواند معرف وضعیت روشنی از آن باشد. (اعزازی، ۱۳۷۶، ص ۲۱۱)

«تولید برنامه‌های حاوی خشونت از مشکلات رایج دنیای رسانه‌هاست. به دلیل تمنای بازار، هزینه کمتر و ایجاد هیجانات کاذبی که مخاطبان را بیشتر به خود جذب می‌کند، تولید این‌گونه محصولات (در قالب فیلم، کارتون، داستان و...) در دستور کار شرکت‌های بزرگ رسانه‌ای است. آمار صحنه‌های خشونت‌آمیز در این برنامه‌ها بسیار تکان‌دهنده است.» (اسماعیلی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۰)

در واقع ماهواره‌ها می‌توانند به صورتی پنهان قالب‌های خاص فرهنگی را در ذهن فرد ایجاد کنند، این قالب‌ها می‌توانند نوعی اقتدار در شکل مردسالاری یا تسلط مرد بر زن و هم‌چنین روابط ناسالم با فرزندان باشد. هنگامی که در یک سریال مرد بودن عامل سلطه بر سایر اعضا معرفی می‌شود یا درخواست‌های بجای فرزندان نادیده گرفته می‌شود و هم‌زمان پاسخ زن و فرزندان در قالب پرخاشگری به نمایش درمی‌آید، خشونت خانوادگی ترویج شده است. هم‌چنین متقابلاً ماهواره‌ها با ترویج فمینیسم و زن‌سالاری به نوعی به خشونت علیه مردان نیز دست زده‌اند. در یکی از مواردی که زوجین طلاق گرفته بودند، شوهر اذعان داشت که همسر فمینیست‌اش او را مورد ضرب و شتم قرار می‌داد.

نظریه‌های جدید در زمینه خشونت خانوادگی به دنبال شناخت عوامل ساختاری هستند که خانواده را مستعد بروز خشونت می‌سازد. به عقیده این نظریه‌پردازان خشونت بر ضد زنان مشکل شخصی یا خانوادگی نیست، بازتاب ساختارهای وسیع خشونت مردان علیه همسران‌شان به هیچ وجه تخطی از نظم اجتماعی نیست، بلکه برعکس تأیید نوعی خاص از نظم اجتماعی است و می‌توان آن را ناشی از این باور اجتماعی فرهنگی دانست که زنان کم‌اهمیت‌تر و کم‌ارزش‌تر از مردان می‌باشند (۱۵، Dobash, ۱۹۷۹)، بدین ترتیب فیلم‌ها و سریال‌های ماهواره‌ای اگر مروج نوعی نابرابری غلط بین زن و مرد باشند به تیرگی روابط میان آن‌ها دامن زده‌اند. القای یک تفکر یا روش غلط در هر یک از زمینه‌های رفتاری می‌تواند به تشدید یا شکل‌گیری آسیب‌های جدید منجر شود. نقش ماهواره‌ها به طور عمده در طرح نیازها و خواسته‌ها است، در برخی از سریال‌های ماهواره‌ای مردان متأهل به پنهان‌کاری و داشتن رابطه با زنان دیگر متهم می‌شوند. حتی اگر هدف این سریال‌ها نشان دادن چهره‌ای نامطلوب از این رفتار باشد، بیننده این سریال‌ها ممکن است با برداشت سطحی از این گونه موارد تحت تأثیر آن قرار گیرد.

سازمان جهانی بهداشت اولین هدف خود در مورد خشونت علیه زنان را «شناخت مسئله خشونت علیه زنان» قرار داده است. پنج اولویت اول برنامه‌های مبارزه با خشونت خانگی علیه زنان شامل ایجاد سیاست‌های همگانی، ایجاد محیط‌های حمایت‌کننده، بازنگری خدمات دولتی، تقویت اقدام جامعه برای مبارزه با خشونت خانگی علیه زنان و توسعه مهارت‌های فردی و اجتماعی مردم برای زندگی عاری از خشونت می‌باشد.^۳

ماهواره‌ها در تمامی این پنج مورد نقش مهمی ایفا می‌کنند. در بعضی موارد اثرات فوری پخش یک سریال را می‌توان در قالب گفتار یا رفتار افراد مشاهده نمود. در واقع نفوذ اجتماعی ماهواره‌ها در بسیاری موارد سبب شکل‌دهی به باورها، ارزش‌ها، سبک و الگوها و رفتارهای درونی خانواده می‌شود. خشونت خانوادگی در تمامی کشورها، حتی در کشورهای پیشرفته‌ای که قوانین حمایتی محکمی جهت جلوگیری از خشونت علیه خانواده دارند، نگران‌کننده است. (Clein, ۲۰۰۴ و ۲۵) در این کشورها برنامه‌ها، فیلم‌ها، مستندها و سریال‌های ماهواره‌ای به‌عنوان عامل مهمی در جهت کاهش خشونت به کار گرفته می‌شوند. در واقع این خواست دولت‌ها و نهادهای اجتماعی است. اما در مقابل بخش تجاری ماهواره‌ها و به خصوص شبکه‌های تلویزیونی خصوصی و کابلی با نمایش فیلم‌های اکشن به این موضوع دامن می‌زنند. پخش صحنه‌های خشن در فیلم‌های سینمایی رفتار خشن را در افراد برمی‌انگیزد چرا که خشونت، تمایل به خشونت را کاهش نمی‌دهد بلکه خشونت موجد خشونت است، مشاهده خشونت در تلویزیون موجب افزایش پرخاشگری در میان تماشاگران می‌گردد. (ارنسون، ۱۳۶۹، ص ۱۸۶).

۱- ماهواره، تشدید مبانی خانواده و معاضدت زوجین

قانون مدنی در ماده ۱۱۰۴ بیان می‌کند: «زوجین باید در تشدید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند.»

شارحین قانون مدنی در رابطه با تفسیر این ماده به سعی و کوشش زوجین در نزدیکی به اخلاق و عادات یکدیگر و تحکیم خانواده و تبدیل آن از صورت تأسیس حقوقی به خانواده مبتنی بر محبت اشاره کرده‌اند. (امامی، ۱۳۷۰، ج ۴، ص ۴۳) همچنین اطاعت زوجه از ریاست زوج، اقدام در مدیریت خانه از سوی زن، عدم ابتلا به اعتیاد مضر که به اساس خانواده خلل وارد کند، از جمله مصادیق این ماده بیان شده‌اند. (جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۵۵، ص ۱۶۰) در عین حال باید دانست تحکیم خانواده بیشتر بر مبنای پذیرش و عمل بر اصول و اعتقادات اخلاقی می‌باشد و مسائل حقوقی صرفاً در این زمینه کفایت نمی‌کند. در کانون خانواده حاکمیت با اخلاق است، نه حقوق و مبنای حقوق، باید‌ها و نبایدها است، حال آن‌که در اخلاق قاعده لطف و ایثار حاکم است. با وجود این‌که حقوقدانان آشکارا در تحکیم خانواده بر مسائل اخلاقی تأکید دارند، ولی در عین حال اذعان می‌دارند

که این حکم ارشادی است و بدین لحاظ به انجام وظایف قانونی متمسک می‌شوند. نقش رسانه‌ها در تحکیم و فرهنگ‌سازی در جهت تشیید مبانی خانواده و معاضدت در این است که می‌توانند هنجارها و ارزش‌های اخلاقی موجود در جامعه را تقویت یا تضعیف نمایند. هنگامی که ماهواره باورهای اخلاقی و اعتقادی یک فرد را به تقدس نهاد خانواده و روابط مبتنی بر اخلاق کمرنگ می‌کند و یا از بین می‌برد، نوعی رهایی رفتاری در او پدید می‌آید، به طوری که خود را از قید و بندهای گذشته رها حس می‌کند. این در حالی است که اگر ماهواره‌ها این باور را در مخاطب ایجاد کنند که برخی رفتارهای انحرافی او درست نیست، مشارکت در آن رفتار برای او دور از تصور است. (رابرتسون، ۱۳۷۴، ص ۱۷۶) البته رسانه‌های دیگر هم تا حدی این ظرفیت را دارا هستند، ولی با توجه به این که ماهواره‌ها دریچه‌ای سهل و آسان و متنوع و متکثر به سوی جهان فعلی است، لذا از تأثیرگذاری بیشتری برخوردار است. در واقع اثبات تأثیر ماهواره‌ها در این زمینه نفی ماعداء نمی‌کند و هدف ما بیشتر بر بررسی ماهواره متمرکز است، به همین دلیل بیشتر به آن پرداخته می‌شود.

مسئله دیگری که در رابطه با تحکیم و تشیید مبانی خانواده باید ذکر شود، آسیب‌های اجتماعی خطرناکی است که ممکن است در اثر تغییر الگوها و سبک هنجاری نهاد اجتماعی خانواده اتفاق بیفتد. یکی از جدی‌ترین این آسیب‌ها طلاق است. تحقیقات نشان‌دهنده بالا رفتن میزان طلاق و جدایی، به تأخیر افتادن سن ازدواج دختران و تولید نخستین فرزند آن‌ها، محدود شدن تعداد فرزندان، افزایش تعداد و نسبت زنان دارای تحصیلات عالی و نشان‌دهنده تغییرات پدید آمده در نهاد خانواده است. (رفعت جاه، ۱۳۸۳، ص ۱۳۵)

طلاق نیز مانند سایر آسیب‌های اجتماعی تحت تأثیر عوامل متعددی است و تأثیر برنامه‌های ماهواره‌ای در این مورد می‌تواند به صورت غیرمستقیم باشد. در واقع ماهواره‌ها نقشی کلیدی در تبیین شکل‌گیری فشار ناشی از خلاء هنجاری (Anomic strain) ایفا می‌کنند. ماهواره‌ها ممکن است با ارائه تصاویری از چشم و هم‌چشمی عمومی در برخورداری از یک زندگی مرفه، احساس محرومیت نسبی را تشدید کنند و موجب وارد آمدن فشار برای رسیدن به سطوح بالای موفقیت شوند. (Siegel, ۲۰۰۳, ۱۹۳) در واقع صرف نظر از طلاق‌هایی که به علت عدم شناخت زوجین از یکدیگر صورت می‌گیرد یا طلاق‌هایی که تنها علت اقتصادی دارند، آن‌چه به‌عنوان یک قاعده کلی مطرح می‌شود برآورده نشدن توقعاتی است که زوجین از یکدیگر داشته‌اند. برنامه‌های ماهواره‌ای در شکل‌گیری این توقعات و انتظارات نقش مهمی دارند. انتظاراتی که از طریق نمایش فیلم و سریال یا در قالب‌های دیگر عرضه می‌شود و افراد به دنبال دست‌یابی به آن‌ها هستند. مثلاً در یک فیلم الگوی مناسب و سبک زندگی موفق به صورت یک زن و شوهر که هر دو دارای تحصیلاتند و هر دو مشغول به کارهای مهم و تأثیرگذاری می‌باشند، نمایش داده می‌شود. شوهر مهندس و خانم پزشک دارای دو فرزند زیبا و باهوش می‌باشند که تمام امکانات را برای آن‌ها فراهم کرده‌اند. در خانه وسایل و انواع

تجهیزات رفاهی فراهم است. هیچ‌گونه مشکل و دغدغهای وجود ندارد و در واقع الگوی مطلوب در زندگی از همین نوع می‌باشد و غیر از این نیست. واضح است چنین الگوسازی که برای کمتر کسی از افراد جامعه قابل دسترسی است منجر به ایجاد یک خلاء روانی و عاطفی و در مواردی به طلاق عاطفی و یا شاید به طلاق بینجامد.

۱-۲ ماهواره و تربیت فرزندان

علاوه بر ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی که به همکاری زوجین در تربیت فرزندان اشاره می‌کند، مواد ۱۱۶۸ و ۱۱۷۸ قانون مدنی نیز بر نگهداری از اطفال و تربیت و مهمل نگذارن آنان تصریح می‌کنند. مطابق ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی «نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابویین است» و ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی بیان می‌کند «ابویین مکلف هستند که در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش برحسب مقتضی اقدام کنند و نباید آن‌ها را مهمل بگذارند» تربیت طفل عبارت است از آموختن آداب اجتماعی و اخلاق مناسب با محیط خانوادگی و کوشش در جهت این‌که طفل علم یا صنعت یا حرفه‌ای متناسب با زمان و وضعیت اجتماعی خانوادگی بیاموزد تا در آینده بتواند به وسیله به دست آوردن عایدات کافی، زندگانی خود را به رفاه بگذراند. (امامی، ۱۳۷۰ ج ۵، ص ۱۹۰) هدایت طفل در شناسایی محیط و آموختن تجربه زندگی و عادات و رسوم آن در شمار تکالیف مربوط به تربیت کودک است. (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ص ۵۸۸) در واقع معاضدت پدر و مادر در این امر، اتخاذ روشی واحد در تربیت طفل می‌باشد، زیرا عدم وجود توافق بین والدین در تربیت اولاد و اتخاذ روش‌های مختلف در این خصوص مانع تربیت صحیح اطفال خواهد بود. (امامی، ۱۳۷۰، ج ۵، ص ۴۳۲)

امروزه با صنعتی شدن جوامع و تحولات در عرصه خانواده تربیت فرزندان با مشکلاتی مواجه شده است که نقش رسانه‌ها در این زمینه به صورت مثبت و یا منفی مهم ارزیابی می‌شود. از نظر کوشن با صنعتی شدن جوامع، ساخت، کارکردها و اقتدار خانواده دچار دگرگونی عظیمی شده است و مهم‌ترین پیامد گذار از خانواده سنتی به خانواده صنعتی شهری، جانشینی خانواده هسته‌ای به جای خانواده گسترده بوده است و در نتیجه خانواده نقش خود در تربیت اجتماعی فرزندان را به مدارس و آموزشگاه‌ها واگذار کرده و می‌توان گفت روابط سودجویی به جای مهرجویی و منفعت در مقابل اخلاق قرار گرفته و خانواده با کارکردهای گذشته‌اش به حاشیه رانده شد. (رئوف، ۱۳۷۷، ص ۴۲) اکنون جوامع غربی به سوی نوعی از خانواده جمعی پیش می‌روند که ارزش عمده در آن، انعطاف‌پذیری (Flexibility) است. (کارلسون، ۱۳۷۸، ص ۲۸)

با توجه به ویژگی آنلاین بودن عصر ارتباطات و دسترسی روزافزون و نامحدود کودکان به برنامه‌های ماهواره‌ای این نگرانی جدی وجود دارد که آنان الگوهای نامتناسب با مختصات فرهنگی، اقتصادی، خانوادگی و ملی خویش برگزینند و از پیشینه و هویت تاریخی خود جدا گردند.

ژان کازنو در این رابطه می‌گوید: «آیا بچه‌ای که در سنین پایین، اغلب به تماشای تلویزیون می‌پردازد، در تمامی سال‌های زندگی از منش، جهان‌بینی و شکل زندگی خاصی برخوردار نخواهد گردید؟ واکنش و حتی نظام ارزشی مقبول وی، تحت تأثیر ماشین صوتی و تصویری قرار نمی‌گیرد؟» (اسماعیلی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۰)

ماهواره‌ها از طریق تأثیرگذاری بر ارتباط منفی بین والدین و فرزندان منشاء تحولات بزرگی در تربیت فرزندان می‌شوند. نسل جوان امروز در مقایسه با نسل‌های گذشته کمتر زیر بار ارزش‌های دیکته شده توسط خانواده می‌رود و به طور خلاصه می‌توان گفت امروزه تنها مدارس و مساجد و سایر نهادهای اجتماعی جایگزین نقش تربیتی فرزندان نشده‌اند، بلکه رسانه نیز نقش مهمی در این میان دارد و فرزندان الگوهای رفتاری خود را در بسیاری از موارد از رسانه‌ها اخذ می‌کنند. جای تعجب نیست که هنرپیشگان و بازیگران فیلم‌ها و سریال‌ها بیش از معلمان مدارس و اساتید دانشگاه‌ها به عنوان الگو شناخته می‌شوند.

فقدان یا ضعف کنترل فرزندان در خانواده احتمال بروز ناهنجاری‌ها را افزایش می‌دهد. ضعف کنترل اجتماعی و کنترل خانوادگی نشان از نابسامانی دارد و فرزند می‌تواند دست به اقداماتی بزند که موافق عقاید والدین خود نباشد. یکی از دلایل مهم این وضعیت شفاف نبودن روابط اعضای خانواده با یکدیگر است. بسیاری از والدین در شیوه برخورد با معضلات فرزندان خود اظهار عجز می‌کنند. این جاست که نقش فعال و مؤثر برنامه‌های تلویزیونی ماهواره با موضوع مشاوره خانوادگی و ارائه راهکارهایی که والدین به وسیله آن بتوانند بر ضعف کنترل خود غلبه کنند، مطرح می‌شود. در واقع نهاد خانواده در مقابل برنامه‌های ماهواره‌ای از حقوق آموزشی برخوردار است. زیرا همان‌طور که در قوانین تصریح شده است یکی از وظایف اصلی رسانه‌ها آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی در زمینه‌های گوناگون می‌باشد.

یکی از معضلات خانواده که پرخاشگری در تربیت اولاد از سوی والدین است؛ شکل‌ها و گونه‌های متفاوت به خود می‌پذیرد. باندورا معتقد است در همین عرصه تربیتی کودکان با شدت تمام در معرض نمونه‌هایی روشن و زنده از قهر و اجبار (coercion) و پرخاشگری قرار می‌گیرند و عمل والدین آن نمونه‌ها را به‌عنوان شیوه‌های مطلوب حل اختلاف و اظهار تمایلات و خواسته‌ها به آنان معرفی می‌کند. (Bandora, ۱۹۷۳, ۴۷) بنابراین برنامه‌های ماهواره‌ای هم می‌تواند از طریق تأثیرگذاری بر روابط بین زوجین، فرایند تربیت فرزندان را تحت تأثیر قرار دهند و هم به صورت مستقیم بر اندیشه و طرز رفتار فرزندان مؤثر واقع شود. این تأثیر حتی می‌تواند ساختار خانواده را با تغییراتی عمیق روبه‌رو سازد. ماهواره می‌تواند بر نیازهایی مانند عشق و تعلق و احترام تأکید نماید و از طریق آن‌ها فرد را تحت تأثیر قرار دهد. (سلیمی، ۱۳۸۵، ص ۵۰۷)

۱- ماهواره و اخلاق جنسی در خانواده

علاوه بر تأکیدات دین مبین اسلام بر اهمیت سلامت جنسی در خانواده، امروزه از لحاظ اجتماعی ثابت شده است مهم‌ترین اصول خانواده اعتماد، وفاداری، اخلاق، ثبات و آرامش است. از طرف دیگر روابط نامشروع زن و مرد، گناه و جرم تلقی شده و مستوجب مجازات است. این امر برای حفظ نظام و آرامش اجتماعی ضروری می‌باشد. به همین دلیل حقوقدانان، وفاداری را نیز جزء تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر و از مصادیق حسن معاشرت شمرده‌اند و معتقدند که وفاداری همسر تنها یک تکلیف اخلاقی نیست، بلکه عرف و عادت مسلم نیز بر آن تأکید دارد. قانون نیز روابط جنسی نامشروع با دیگران را ممنوع ساخته و از آن به‌عنوان زنا یاد می‌کند. (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ص ۱۹۷). اما واقعیت‌های موجود از تأثیرگذاری عمیق برنامه‌های ماهواره‌ای خصوصاً فیلم‌ها و سریال‌ها بر اخلاق جنسی، فرهنگ جنسی و حتی فرهنگ زیبایی و آرایش حکایت می‌کنند. روابط جسورانه دختران و پسران جوان، نمایش مکرر مشروب‌خواری و مزخرف‌گویی‌های هنگام مستی، آموزش راه‌های دوستی با جنس مخالف و نیز ظرافت‌ها و مشکلات و مسائل مربوط به جنس مخالف، نمایش روابط خارج از چارچوب‌های اخلاقی، ابراز علاقه‌های شهوانی و اغواکننده، عدم وفاداری زنان و مردان متأهل به همسران خود که بعضاً به نیت انتقام از همسر به علت عدم وفاداری او صورت می‌گیرد، دیالوگ‌های جنسی و توصیه به خیانت از مضامین برجسته سریال‌های ماهواره‌ای خصوصاً فیلم‌های آمریکایی و کلمبیایی شبکه فارسی ۱ است. یکی دیگر از نتایج نمایش مضامین غیراخلاقی اروتیزه شدن (شهوانی شدن) زیبایی (Eroticization of beauty) است.

امری که به طور مستقیم به بی‌حیایی جنسی (sexual immodesty) دامن می‌زند. اروتیزه شدن زیبایی، درست در نقطه مقابل شرم و حیا قرار می‌گیرد که بخشی از آن در قالب بی‌حیایی در پوشش (Clothing immodesty) تبلور می‌یابد. این بی‌حیایی دارای دو بعد فعال و منفعل است. یعنی هم به درجه عرضه یا نمایش بدن (بعد فعال کنش) و هم به درجه نگاه کردن یک کنشگر به کنشگر دیگر (بعد منفعلانه کنش) مربوط می‌شود. (Weinberg 1957)

اشکال مرضی و نابهنجار این دو نوع کنش، سر از خویشتن‌نمایی و چشم‌چرانی درمی‌آورد. تنظیم نسبت بین نشان دادن (Revelation) و پنهان کردن (concealment) بدن، همان‌گونه که «کریک» (Craik) می‌نویسد، اساس نظام‌های مد را تشکیل می‌دهد.

امروزه ماهواره‌ها از طریق برنامه‌های حرفه‌ای و مؤثر خود به تغییر و انحراف فرهنگ و اخلاق جنسی از طریق مد اقدام می‌کنند. مبتکران مدهای تازه همواره در کار تنظیم نسبت میان برهنگی و پوشیدگی هستند تا بتوانند حداکثر جلوه و جاذبه را در این جنس و حداکثر اشتیاق را در آن جنس دیگر ایجاد نمایند. (حدادعادل، ۱۳۵۹، ص ۳۳) صنعت تبلیغات بازرگانی در ماهواره‌ها از بدن زنان به

ویژه بدن نیمه‌برهنه یا برهنه به‌عنوان عناصر تزئینی برای به فروش رساندن همه چیز از جمله محصولات و خدمات زیبایی، نوشیدنی‌ها، خودروها و ابزارهای مختلف، استفاده می‌کند.

یکی از عناصر فرهنگ پدرسالار غرب که امروز از طریق ماهواره‌ها القا می‌شود، نشان دادن زن به‌عنوان منظره‌ای است که می‌توان به آن نگاه کرد. بیشترین سوءاستفاده و شی‌وارگی (objectification) از بدن زنان در جهان در صنعت هرزه‌نگاری (porn industry) رخ داده است. سینمای هالیوود نیز مدت‌هاست که از زن به‌عنوان منظره‌ای برای لذت بصری یا لذت چشم‌چراناانه استفاده می‌کند. (zoonen, 1994:84)

تخیل، آرزوپردازی و فانتزی‌های جنسی ناشی از قرار گرفتن در معرض پیام‌های ماهواره‌ها و تثبیت (Fixation) چیزی است که از آن تحت عنوان اروتیسم یاد می‌شود. بت‌سازی مستمر و اروتیزه کردن زنانه در فیلم‌های ماهواره‌ای همان‌گونه که «لانس مانیون» می‌نویسد به زنان یاد می‌دهد که بدن خود را بت‌سازی (Fetishization) کنند، نه تنها در خلوت، بلکه جلوی همه و از این طریق و با جلب توجه دیگران، آن‌ها مالکیت و کنترل خود بر بدن‌شان را اعلام می‌کنند.

در کشور ما، اروتیزه شدن زیبایی در رسانه‌های فرامرزی قابل دریافت در ایران مشاهده می‌شود. تنظیم نسبت بین پوشیدگی و عرضه زیبایی‌ها در اماکن عمومی و تأکید رسانه‌های فرامرزی روی برهنگی، موجب جنسی شدن (sexualization) اماکن عمومی از جمله خیابان‌ها، پارک‌ها، محیط‌های آموزشی و یا حتی محل کار شده است. در واقع بخشی از عواطف و انرژی و احساسات جنسی زن و شوهر که باید در خانه به منصفه ظهور برسد، در اثر تبلیغات ماهواره‌ای در اماکن عمومی صرف می‌شود. خودنمایی‌ها یا دلربایی‌ها، چشم‌چرانی‌ها، متلک‌گویی‌ها، سوءاستفاده از مراکز تجاری مدرن و پرسه زدن همه از نتایج مضامین برنامه‌های ماهواره‌ای است که در آن نوعی آموزش پنهان و ضمنی در رابطه با این موارد دیده می‌شود.

یکی دیگر از مسائلی که به شدت بر تحکیم و تشدید نهاد خانواده تأثیرگذار است شبیه شدن مردان و زیبایی آن‌ها (Effemination of male beauty) می‌باشد. می‌دانیم که مرد به‌عنوان تکیه‌گاه خانواده بر مبنای «الرجال قوامون علی النساء» معرفی شده است. در واقع کسب عادات مغایر با وظایف مردان که ذاتی آنان نیز نبوده باعث از هم‌گسیختگی و فروپاشی نهاد خانواده منجر می‌شود؛ امری که امروز به شدت از طریق ماهواره‌ها در حال ترویج است.

در عرصه فرهنگ عامه‌پسند جهانی، تبلور زن‌صفتی برخی از مردان را می‌توان در «مایکل جکسون» و خواننده‌ای با نام «Prince» مشاهده کرد؛ افرادی که مکرراً از طریق شبکه‌های موسیقی ماهواره‌ای توسط مخاطبان مشاهده می‌شوند. صدای نرم و ملایم و چهره بی‌موی «مایکل جکسون» باعث شد که «لوئیس فرخام»، رهبر مسلمانان سیاه‌پوست آمریکا به جوانان سیاه‌پوست آن کشور هشدار دهد که مواظب باشند رفتارشان همانند جکسون زن‌صفت نشود. (Synnott, 1987, 100)

یکی دیگر از مظاهر انحراف اخلاق جنسی اباحه‌گری و حساسیت‌زدایی نسبت به حریم‌ها یا تابوهای زبانی است؛ امری که امروز مکرر توسط فیلم‌ها و سریال‌های جهانی ماهواره‌ای نقض می‌شود. هر جامعه زبانی، مجموعه‌ای از تابوهای زبانی دارد که با توجه به فرهنگ آن جامعه زبانی و ارزش‌ها و نگرش‌های آن، متفاوت است. مثلاً تابوهای زبانی مسلمانان با تابوهای زبانی مردم غیرمسلمان آمریکای جنوبی یا اروپا متفاوت است. همچنین تابوهای رفتاری به همین ترتیب است و بسته به فرهنگ هر جامعه، تابوهای رفتاری آن جامعه با جوامع دیگر متفاوت است، اما تابوهای مشترک نیز بین جوامع مختلف وجود دارد. هر جا که چاره‌ای جز اشاره به عناصر ممنوع نباشد، گویش‌وران اغلب مجازند از عبارت غیرمستقیمی مرسوم به «حسن تعبیر» استفاده کنند.

بنابراین کلمه ممنوع و حسن به یک تعبیر دو روی یک سکه‌اند. تغییر دادن تابوهای زبانی و نیز رفتاری و به تدریج حساسیت‌زدایی از واژه‌هایی مثل دوست دختر، دوست پسر و الفاظ مربوط به مشروب‌خواری و روابط جنسی که منجر به انحرافات خطرناک در اخلاق و فرهنگ جنسی می‌شود یکی از نتایج برنامه‌های غیراخلاقی ماهواره‌هاست. در سریال‌های بعضی شبکه‌ها مثل فارسی ۱ که بیشتر سریال‌های خانوادگی خارجی پخش می‌شود، نوعی اباحه‌گری همان‌طور که اشاره شد با آوردن به اصطلاح حسن تعبیرهایی مانند «بیا با هم خوش بگذرانیم»، «دیشب شلوغ‌کاری کردیم» و... علاوه بر این که خانواده‌ها را جلوی تلویزیون نگه داشته است، فرصت نمایش رفتارهای اروتیک را به اعضای بسیاری از خانواده‌ها می‌دهد. کی دیگر از مسائل برنامه‌های ماهواره‌ای تحلیل «قاب» شبکه‌های ماهواره‌ای است. برای روشن شدن موضوع قاب ناچاریم اندکی به بحث نشانه‌شناسی بپردازیم. در نشانه‌شناسی با «قاب» روبه‌رو هستیم. پیوسته وقتی با متنی، پیامی، مطلبی، موضوعی، صدا و یا تصویری مواجه می‌شویم، در درون یک «قاب» با آن متن روبه‌رو می‌شویم. حال این «قاب» می‌تواند صفحه اول روزنامه که یک ضلع اطلاع‌رسانی یومیه با ویژگی‌های دوره مدرن و شهرنشینی باشد، یا این که قاب صفحه تلویزیون باشد. قاب اول همان چارچوب روزنامه یا چارچوب شبکه تلویزیونی است، «قاب» دوم، «قاب» صفحه اول یا همان عناوین و تداعی‌های یک عنوان است. این عنوان می‌تواند یک بحث سیاسی، فرهنگی، جنسی و... باشد. قاب‌ها بسته به ماهیت روزنامه یا شبکه تلویزیونی دارای تداعی متفاوتی هستند. قاب کلان بعضی از شبکه‌های ماهواره‌ای مثل فارسی ۱ در حال حاضر، تداعی‌کننده خیانت و روابط جنسی است؛ به ویژه در بعضی از سریال‌ها این موضوع بسیار حاد است و مخاطب این دسته از سریال‌ها هر لحظه منتظر یک صحنه اروتیک می‌باشد.

۴- ماهواره و جهانی شدن خانواده

واژه جهانی شدن عرضه‌کننده مفهومی بسیار متراکم از جهان و هوشیاری روبه افزایش نسبت به آن است و بازگوکننده فراوانی پیوندهای جهانی و درک از آن است. تراکم جهان را در رابطه با قدرت

کارایی نهادهای مدرنیته می‌توان استنتاج کرد و این در حالی است که عمیق‌سازی هوشیاری درباره جهان، خود را در مفاهیم فرهنگی متجلی می‌سازد. جهانی شدن بر فرایندی ناظر است که بر اثر آن فرد و جامعه در مقیاسی جهانی با یکدیگر در رابطه قرار می‌گیرند و بر اثر تحول در مفهوم فضا و مکان در یک جامعه که جهانی نامیده می‌شود، مستحیل می‌شوند. (محسنی، ۱۳۸۶: ۳۴۹)

در جهانی که روز به روز کوچک‌تر می‌شود و به سوی دهکده جهانی گام برمی‌دارد، فرهنگ از طریق رسانه‌ها تولید و منتشر می‌شود. در این میان، ماهواره از تأثیر فراگیری بهره‌مند است، زیرا نماد یا الگوی پوشش، سبک سخن گفتن و رفتار و سلوک فردی و خانوادگی از طریق برنامه‌های ماهواره تبلیغ می‌شود. ماهواره از آن‌جا که از مهم‌ترین ابزارها در پیدایش فرهنگی فراگیر است می‌بایست بر خرده‌فرهنگ‌ها غالب آید و همه‌صور و رخساره‌ها را جهانی کند. به تعبیر دیگر بر میزان جهانی شدن فرهنگی در نزد ملل بیفزاید. از آن‌جا که ماهواره نیز هم‌چون سایر وسایل ارتباطی نوین یکی از فناوری‌هایی است که تحت سلطه قدرتهای بزرگ غرب قرار دارد، روشن است آن‌چه ارائه و اشاعه می‌نماید در جهت حفظ و هم‌رنگی با فرهنگ غربی است. (دستورنیکو، ۱۳۸۱: ۱۴۰)

جهانی شدن خانواده از لحاظ معیارهای فرهنگی یکی از واقعیات مشهود جامعه کنونی می‌باشد، اما این امر در حوزه حقوق خانواده تا حدود زیادی ممکن نیست. «با توجه به اصول دوازدهم و سیزدهم قانون اساسی و قوانین اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم^۴ و رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی^۵ و اصل سی و چهارم قانون اساسی به عنوان حق دادخواهی عمومی به عنوان حقوق اساسی هر یک از سکنه ایران و مواد ۹۷۵، ۹۷۲، ۹۷۱، ۹۷۰، ۹۶۵، ۹۶۴، ۹۶۳، ۹۶۱، ۶ و ۷ قانون مدنی و سایر مواد مربوط به تابعیت زوجین و فرزندان، نکاح، طلاق، نگهداری و تربیت اطفال، ولایت قهری، قیمومیت، نفقه و کنوانسیون‌های مختلف بین‌المللی باید گفت فارغ از آن‌که اصولاً مقررات و اسناد بین‌المللی در جهت استیلا در حوزه حقوق خانواده بوده یا خیر؟ موانع حقوقی فراوانی برای جلوگیری از اعمال قانون خارجی وجود داشته و دارد.» (روشن، ۱۳۸۹، صص ۲۸-۲۷)

اخلاق حسنه، نظم عمومی، احوال شخصیه، روابط بین ابوبین، اولاد و زوجین در تابعیت‌های مختلف و وجود دو نوع تابعیت خاک و خون در حقوق ایران از مهم‌ترین موانع حقوقی جهانی شدن خانواده می‌باشد.

در رابطه با اخلاق حسنه ماده ۹۷۵ قانون مدنی بیان می‌کند: «محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که بر خلاف اخلاق حسنه بوده و یا به واسطه جریحه‌دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود به موقع اجرا گذارد، اگرچه قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد.» بنابراین مطابق این ماده اخلاق حسنه و نظم عمومی مانع از اجرای قوانین خارجی و در نتیجه آن جهانی شدن حقوق می‌باشند.

اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی بر غیر قابل تغییر بودن دین و مذهب رسمی ایران که همان اسلام و شیعه اثنی‌عشری است، تصریح می‌کند. مذاهب و اقلیت‌های دینی هم در این قانون می‌توانند مطابق احوال شخصی (ازدواج، طلاق، ارث، وصیت) مذهب و دین خود عمل کنند. بر اساس ماده ۶ قانون مدنی؛ «قوانین مربوط به احوال شخصی از نکاح، طلاق، اهلیت اشخاص و ارث در مورد کلیه اتباع ایران، ولو این که مقیم در خارج باشند، مجری خواهد بود.» بنابراین دعاوی احوال شخصی نیز بر اساس مذهب رسمی کشور و در مورد دیگر مذاهب بر اساس تعلیم و تربیت خود در دعاوی دادگاه رسمیت دارد.

مواد ۹۶۳ و ۹۶۴ قانون مدنی نیز بر امتناع از جهانی شدن حقوق خانواده دلالت می‌کنند. ماده ۹۶۳ بیان می‌کند: «اگر زوجه تبعه یک دولت نباشد، روابط شخصی و مالی بین آن‌ها تابع قوانین دولت متبوع شوهر خواهد بود.» براساس ماده ۹۶۴ قانون مدنی «روابط بین ابویین و اولاد تابع قانون دولت متبوع پدر است.»

مطابق ماده ۹۷۶ قانون مدنی «ساکنین ایران به استثنای افرادی که تابعیت خارجی آن‌ها مسلم باشد و کسانی که پدر آن‌ها ایرانی است و یا در ایران متولد شده ولی پدر و مادر آن‌ها مشخص نباشند یا کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنان در ایران متولد شده به وجود آمده‌اند و هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند دارای تابعیت ایرانی محسوب می‌شوند، لذا احوال شخصی افراد مشروحه فوق مطابق قانون ایران خواهد بود. به نظر می‌رسد فارغ از بحث‌های تخصصی تعارض قوانین، با توجه به حاکمیت قانون متبوع ایرانی بر احوال شخصی امکان حاکمیت قانون خارجی در نهاد خانواده ممکن نباشد.» (همان، صص ۴۲-۴۱).

بحث

در دهه‌های اخیر شاهد تحولات سریع و گسترده در تمام ابعاد زندگی اجتماعی و از جمله نهاد خانواده بوده‌ایم. خانواده تحت تأثیرات عوامل درونی و بیرونی این تغییرات را تجربه کرده است. ماهواره‌ها به‌عنوان یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر تحولات خانواده نقش اساسی در دگرگونی روابط درونی بین اعضای آن داشته‌اند. تغییراتی که با حقوق نهاد خانواده در تعارض بوده و منجر به سوءمعاشرت، سست شدن مبانی خانواده، از بین رفتن کنترل بر تربیت فرزندان و انحراف از اخلاق و فرهنگی جنسی شده است.

به نظر می‌رسد یکی از حقوق مسلم نهاد خانواده در برابر برنامه‌های ماهواره‌ای، آموزش‌های رسانه‌ای برای خانواده‌ها و هم‌چنین برای فرزندان در مدارس می‌باشد.

این پیشنهاد بر این فرض استوار است که اگر مخاطب را با آگاهی واکسینه کنیم، برنامه‌های ماهواره‌ای نمی‌توانند تأثیر منفی خاصی بر آن‌ها بگذارند. در واقع، این فرض از نگاه برخی از

نظریه‌پردازان ارتباطات مانند «برلو» ناشی می‌شود که «معنی، قابل انتقال نیست» و معنی در خود مخاطب شکل می‌گیرد. به نظر می‌رسد تفسیر و تعبیر هر مخاطبی از یک پیام واحد، متفاوت است، از این رو معانی مختلف در مخاطبان شکل می‌گیرد، بنابراین اگر مخاطبان ماهواره به چیزی که از آن به عنوان «سواد رسانه‌ای» یاد می‌شود، مجهز گردند، به طور قطع می‌توان تأثیرات منفی ماهواره را کاهش داد.

هم‌چنین به نظر می‌رسد تدوین لایحه‌ای در جهت حمایت از نهاد خانواده در برابر پخش برنامه‌های ماهواره‌ای که در آن از مبانی و اصول بومی و مذهبی این نهاد مقدس در قبال برنامه‌های مخرب ماهواره‌ای به صورت کاربردی و واقع‌گرایانه حمایت کند، خالی از فایده نباشد. چون علم حقوق و قانون‌گذاری مرتبط با نظم جامعه می‌باشد و بر هم خوردن نظم نهاد خانواده به‌عنوان مهم‌ترین واحد اجتماعی یکی از دغدغه‌های این علم می‌باشد، لذا به نظر می‌رسد پرداختن به این موضوع ضروری نیز باشد.

از طرف دیگر تا قبل از تدوین و تصویب قوانین مدون می‌توان با استناد به قوانین اساسی و مدنی در رابطه با تحکیم نهاد خانواده، تشدید مبانی، معاضدت در تربیت اولاد و هم‌چنین قانون مجازات اسلامی در برابر پخش برنامه‌های ماهواره‌ای تا حدودی از حقوق نهاد خانواده حمایت به عمل آورد.

پی‌نوشت‌ها

1. www.Rokhshad.com

۲. نظرسنجی از مردم تهران درباره ماهواره، (۱۳۷۳)؛ مرکز تحقیقات صدا و سیما. بررسی نگرش مردم نسبت به استفاده از ماهواره.
۳. الگوی استفاده از ماهواره (استفاده و تأثیرات) (۱۳۸۰)؛ مرکز تحقیقات صدا و سیما.
۴. نظرسنجی از ساکنان ۳۱ شهر درباره استفاده از شبکه‌های تلویزیونی ماهواره (۱۳۸۱)؛ مرکز تحقیقات صدا و سیما.
۵. نظرسنجی از شهروندان ۳۰ شهر کشور درباره شبکه‌های ماهواره (۱۳۸۳)؛ مرکز تحقیقات صدا و سیما.
۶. لبیبی، محمدمهدی، «رسانه و ناهنجاری‌ها در خانواده» روزنامه عصر مردم، مورخ ۸۸/۱/۱۵ ص ۵.
۷. مصوب ۱۳۱۲/۵/۱۰
۸. مصوب ۱۳۷۲/۴/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام.

منابع

۱. ازنسون، ا. (۱۳۶۹)، *روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه حسین شکرکن، تهران، انتشارات رشد.
۲. اسماعیلی، م. (۱۳۸۹)، *حقوق کودک در برابر رسانه‌ها، فصلنامه خانواده‌پژوهی*، شماره ۲۱.
۳. اعزازی، ش. (۱۳۷۷)، *جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*، چاپ اول، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

- امامی، ح. (۱۳۷۰)، *حقوق مدنی*، جلد ۴ و ۵، چاپ پنجم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- جعفری‌لنگرودی، م. (۱۳۵۵)، *حقوق خانواده*، چاپ اول، تهران، چاپخانه حیدری.
- حدادعادل، غ. (۱۳۸۰)، *فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی*، تهران، انتشارات سروش.
- داور، ز. (۱۳۸۰)، *حسن معاشرت از دیدگاه قانون مدنی و جامعه*، چاپ اول، انتشارات سفیر صبح.
- دستورنیکو، ف. (۱۳۸۱)، *فرایند جهانی شدن فرهنگ از طریق ماهواره*، مجموعه مقالات: پخش مستقیم ماهواره‌ای در قرن بیست و یکم؛ چالش‌های حقوقی و فرهنگی، تهران، انتشارات سروش.
- رفعت‌جاه، م. (۱۳۸۲)، *زنان و بازتعریف هویت اجتماعی*، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره پنجم، شماره ۲.
- روشن، م. (۱۳۸۹)، *مباحثی از حقوق خانواده*، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
- رئوف، ع. (۱۳۷۷)، *مشارکت سیاسی زن*، ترجمه محسن آرمین، نشر قطره.
- سلیمی، ع. و داوری، م. (۱۳۸۵)، *جامعه‌شناسی کجروی*، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- صفایی، ح. و امامی، الف. (۱۳۶۹)، *مختصر حقوق خانواده*، چاپ دوم تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- طبرسی، الف. (۱۳۶۰)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۱، ۲، ۴، چاپ اول، تهران، انتشارات فراهانی.
- کارلسون و دیگران (۱۳۷۸)، *خانواده‌درمانی*، ترجمه عفت نوابی‌نژاد، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- کازنو، ژ. (۱۳۸۴)، *جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی*، ترجمه باقر ساروخانی، چاپ هشتم، انتشارات اطلاعات.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۸۰)، *حقوق مدنی خانواده*، ج ۱، چاپ دوم، تهران، سهامی انتشار.
- محسنی، م. (۱۳۸۶)، *بررسی در جامعه‌شناسی فرهنگی ایران*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر، ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- Bandora. A. (1973). *Agression: A social learning analysis*. Englewood Glifs. N. J. prentice Hall.
- Clein. J. (2004). *Screening women and elderly adults for family and intermate partner violence*. *Journal of clinical guide lines*. 140(5).
- Dobash. R. E. (1979). *Violence against wives*. New York, the free press.
- Siegel. L. J. (2003). *Criminology*. Belmont. C. A. wadsworth.
- Synnott, Anthony (1993). *the body social: syrnbolism, self and society*, Londn: Routledge.
- Weinberg, martins, (1957). *sexual modesty, social meanings, and the nadist camp*, Inlefton, mark, skippey, tamesk and research findihgs, New york: Appleion- century-Crofts. pp. 119, 128.
- Zoonen, Liesbetvan (1994). *Feminist media studies*, London: Sage.